

اثربرداری عهدنامه مالک اشتر از بافت فرهنگی مصر با رویکرد "تحلیل گفتمان فرکلاف"

سارا حیدری* / مهدی اسمعیلی صدرآبادی** / روح‌الله محمدعلی نژادعمران***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

چکیده

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به‌مثابه یک حاکم سخن‌دان در هنگام نوشتن عهدنامه مالک اشتر به ترتیبی منطقی و عاقلانه به تقنین و تنظیم این فرمان همت گماشتند. از دیگر سو امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هم به سابقه تمدنی و فرهیختگی مصر، هنگام تنظیم و تدوین عهدنامه توجه داشته و اوضاع، مقتضیات و ضروریات جامعه مصر را در تدوین عهدنامه لحاظ کرده‌اند. امام (علیه السلام) با لحاظ این ویژگی، مالک‌اشتر را به آن دیار رهسپار کردند. در این پژوهش با تأکید بر همین گزاره و با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف مشخص شد امیرمؤمنان (علیه السلام) با توجه به معضلات موجود جوامع اسلامی به‌خصوص سرزمین مصر، منشور حکومتی را در نهایت فصاحت و بلاغت نگاشتند. از رهگذر شناخت ابعاد زبانی و ادبی عهدنامه مالک اشتر می‌توان به ایدئولوژی حاکم بر عهدنامه دست پیدا کرد. در این مسیر گزاره متناسب با شرایط جامعه مصر در عهدنامه قابل شناسایی است؛ همچنین ایدئولوژی دینی در عهدنامه مالک اشتر از فراوانی و تکرار قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. آنچه در شکل‌گیری ایدئولوژی و زیربنای معرفتی - فکری عهدنامه نقش اساسی داشته، بوم‌شناسی و شناخت جامع امام علی (علیه السلام) از مردم مصر و به‌عبارت دیگر شناخت بافت اجتماعی مصر بوده که با توجه به معضلات جامعه مصر، همواره انگاره دینی خویش در شرایط مختلف برای حکومت‌داری اسلامی به‌کار گیرند. با وجود این عهدنامه در عین حال که تاریخ‌مند است، برای دیگران و اعصار و امصار هم قابل استفاده است.

واژگان کلیدی

عهدنامه، مالک اشتر، تحلیل گفتمان، نورمن فرکلاف.

* sara.sh.heydari@gmail.com

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی.

** esmaeili.sadr@gmail.com

ولیعصر (عج) رفسنجان (نویسنده مسئول)، رفسنجان ایران،

*** alinejad@atu.ac.ir

***. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی .

درآمد

ادبیاتِ زبان با فضای اجتماع پیوند نزدیکی دارد و هریک، بر دیگری اثر متقابل می‌گذارد. متون فاخر عدیده و فراوان ادبی، انعکاسی از محیط و فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر خود هستند. از دیگر سو شناخت ادیب از مقتضیات و شرایط حاکم بر فضای اجتماعی بر اندیشه و قلم او تأثیر بسزایی خواهد گذاشت؛ گرچه مقتضای بلیغ بودن این است که مقتضای حال مخاطب را رعایت کند. مقتضای رعایت حال مخاطب هم معلول مقتضای زمان و مکان مخاطب است (أبومحبوب، و مصدق، ۱۳۸۷، ص. ۱۹). با پذیرش این سخن امام علی (علیه السلام) در مقام یک حاکم ادیب، با ترتیبی منطقی و عاقلانه به تقنین و تنظیم عهدنامه مالک اشتر همت گماشتند. این مسئله مادامی اهمیت فزونی می‌یابد که سرزمین مصر در آن دوره وامدار پیشینه دنیای قدیم و کهن بوده است.

بنا به گفته برخی از محققان شرق باستان، کانون بزرگ‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های بشری است. به همین جهت نام‌های متعددی به آن داده‌اند؛ مانند: چهارراه تمدن‌ها، کانون تمدن‌های قدیم و کهن بشری، خاستگاه ادیان بزرگ الهی و گاهواره تمدن. در میان این تمدن‌ها، تمدن مصر باستان، حدود پنج تا شش هزار سال در اوج شکوفایی بود. حدود سه هزار سال قبل از افلاطون، پیشرفت مدنیت در مصر به حدی رسید که می‌توان مردم سرزمین مصر را صاحبان تفکر فلسفه و نجوم و هیئت قلمداد کرد (شایسته، ۱۳۸۱، ص. ۱۹).

هردوت می‌گوید: مردم سرزمین مصر مذهبی‌ترین مردمان دنیای قدیم محسوب می‌شدند (مالت، آلبرت، ۱۳۴۲، ص. ۱۶). به اذعان آلبرت مالت^۱، در بین تاریخ‌هایی که از ملل دنیا در دست است، سرگذشت مردمان مصر از همه کهن‌تر است. چون حوادثی را ذکر می‌کند که در زمانی فراتر از پنج هزار سال پیش رخ داده است. به گفته وی تا سده نوزدهم میلادی، فردی از پیشینه سرزمین مصر اطلاعات خاصی نداشت جز هر آنچه نویسندگان مصری به آن اشاره کرده بودند (همان).

به گمان نگارنده این جستار، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هم به سابقه تمدنی و فرهیختگی مصر، هنگام تنظیم و تدوین عهدنامه توجه داشته و اوضاع، مقتضیات و ضروریات جامعه مصر را در تدوین عهدنامه لحاظ کرده‌اند. اصولاً قوانین و مقررات بر مبنای نیازها، منافع و مصالح جامعه وضع می‌شود و به طور طبیعی با گذشت زمان و تغییر و تبدیل اوضاع و نیازها، قوانین مزبور نیز ممکن است تغییر پیدا کند. این

1. Albert Malet

معنی در قوانین و مقررات اجتماعی شرعی نیز حاکم است؛ چرا که قوانین اجتماعی شرعی و اسلامی نیز بر مبنای حکمت و ملاحظه نیاز و مصلحت مردم از سوی حاکم، وضع شده‌اند و طبعاً تبدیل اوضاع می‌تواند موجب دگرگونی آنها شود (نک: مهرپور، ۱۳۸۷ش، ص. ۱۳۵).

عهدنامه مالک اشتر هم از این قاعده مستثنی نبوده است، چرا که رهنمودهای اجتماعی و فردی موجود در عهدنامه مالک اشتر بر پایه حکمت و ملاحظه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تدوین گشته است و همچنین مقتضیات و شرایط فرهنگی - اجتماعی مردم مصر نیز در تنظیم عهدنامه دخیل بوده است. برای احراز صحت این سخن طرق متعددی وجود دارد. از شاخص‌ترین طرقی که از رهگذر آن پیوند تمدن سرزمین مصر و تنظیم مناسب رهنمودها با فضای حاکم بر شرایط اجتماعی مصر مشخص می‌شود که نهایتاً اندیشه حاکم بر یک متن روشن خواهد شد؛ رویکرد «تحلیل گفتمان» است. نورمن فرکلاف^۲ درباره این موضوع بر این باور است: «گفتمان عبارت است از کاربرد زبان به منزله یک امر اجتماعی، بنابراین، تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل کیفیت کارکرد متن در بستر اجتماعی - فرهنگی آن است» (فرکلاف، ۱۳۷۹ه. ش، ص. ۹).

تحلیل گفتمان یک متن فاخر ادبی می‌گوید «ابدأ سخن یا نگاهشته‌ای بدون خطمشی و انکارگان نیست و این مهم احتمالاً عمدی یا سهوی باشد؛ به همین جهت برای معرفت به ایدئولوژی یک متن فاخر ادبی، تحلیل گفتمان نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹ه. ش، ص. ۹). ناگفته پیداست رویکرد «تحلیل گفتمان» به منظور یک رویکرد زبان‌شناسی به ارزیابی کیفیت علقه و پیوند پیامدهای ادیبان با فضای اجتماعی می‌پردازد. همین‌طور که در عصر حکومت حضرت علی (علیه السلام)، فضای ممالک اسلامی دستخوش اعوجاج فراوانی گشته بود و اکثریت مردم به‌ویژه کوفیان به این مسائل دامن زدند؛ شناخت اندیشه فرهنگی - تمدنی نهج البلاغه، خصوصاً عهدنامه مالک اشتر برای آشنایی با فضای حاکم بر مردم مصر ضرورت داشته و این مهم از مسیر شناخت گفتمان‌های حاکم بر جامعه مصر میسور است.

این جستار در پرتو نظریه «گفتمان انتقادی» فرکلاف، اندیشه و ایدئولوژی حاکم بر این عهدنامه را بررسی می‌کند که این مطلب باعث شکل‌گیری چارچوب نظری دقیق‌تر برای نیل به نتایج علمی بهتر در این موضوع خواهد شد. تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی بین‌رشته‌ای است و فراتر از قالب‌های زبانی،

1. Discourse analysis
2. Norman Fairclough

به ارزیابی انگاره‌های برآمده از فضای فرهنگی - اجتماعی جامعه ادیب می‌پردازد. از آنجا که حکومت حاکم بر هر جامعه‌ای، می‌تواند گفتمان آن جامعه را جهت‌دهی کند؛ کیفیت پیوند آثار ادبی با حکومت مسلط بر جامعه مصر در سه لایه‌ی: توصیف، تفسیر و تبیین قابل پی‌جویی است.

۱- ایضاح مفاهیم

در این بخش مجموعه‌ای از مفاهیم که در روند بررسی اثرپذیری عهدنامه مالک‌اشتر از بافت فرهنگی مصر نقش بنیادین دارد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱-۱- ایدئولوژی^۱ (انگارگان)

نظریه‌ی ایدئولوژی (انگارگان)، کانون جمیع دانش‌های فرهنگی-اجتماعی انتقادی است. لکن مفهوم دقیق این اصطلاح اغلب ابهام دارد؛ چون ایدئولوژی و انگارگان در بیشترین کاربرد خود، به مجموعه‌ی مدون و ساختاریافته از باورها (همچون ایدئولوژی، به معنای باورها، ارزش‌ها و...) اشاره دارد (ادگار، ۱۳۸۷. ش، ص. ۵۹).

«ایدئولوژی» تعبیری است که به منزله تعبیری اساسی در سبک‌شناسی شایسته‌مبالات و توجه است؛ گویانکه مورد ارزیابی اندیشمندان «تحلیل گفتمان انتقادی» نیز بوده است؛ من جمله «ون دایک» واژه «باور» را از روان‌شناسی اخذ می‌کند و ایدئولوژی را به‌عنوان «نظام باورها» تعریف می‌کند. او تأکید می‌کند ایدئولوژی و انگارگان زیربنای رفتارهای اجتماعی است. از رفتارهای اجتماعی‌ای که شدیداً ایدئولوژی روی آن اثر می‌گذارد، استفاده «زبان و گفتمان» است؛ همچنین کاربرد زبان و گفتمان نیز بر کیفیت استحصال، یادگیری و تحول ایدئولوژی مؤثر است (درپر، ۱۳۹۲. ش، ص. ۱۸۱). بنابراین «گفتمان» از جمله مقولاتی است که برخی از دانشوران در ارائه تحلیل‌های خود، مسلک سیاسی و اجتماعی (ایدئولوژی) را مورد کندوکاو قرار می‌دهند.

۱-۲- تحلیل گفتمان

پیشینه تحلیل گفتمان^۲ را که در عصر حاضر به نگرشی میان‌رشته‌ای^۳ در دانش‌های ناظر به اجتماع تبدیل شده است، بایستی در تلاطم انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی (نشانه‌شناسی)، تأویل‌گرایی،

1. ideology

2. Discourse Analysis

3. interdisciplinary

هرمنوتیک گادامر و تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو پی‌جویی کرد. گفتمان‌کاوی، همان آفرینش روال کار (مکانیسم) شایسته و اجرای آن در کشف و تشریح نمودن گفته یا متن با فضای فکری اجتماع است (یارمحمدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۳). گفتمان به ارتباط متقابل میان متن و محیط اجتماعی که متن در آن و برای آن به کار گرفته شده، می‌پردازد (کورزون، ۱۹۹۷، ص. ۱). در فرآیند تحلیل گفتمان با دو اصل مهم سروکار داشته و باید در روند بحث هر دو مورد آنها مورد توجه قرار گیرد:

۱. بافت متن (Text texture):

۲. بافت موقعیت (Position texture).

مراد از «بافتار و ساختار متن» این است که «یک مؤلفه زبانی در قالب چه نگاه‌شده‌ای قرار گرفته است و جملات پسین و پیشین آن مؤلفه در درون متن چه اثری در شکل‌گیری ظاهری و صورتی، کارکردی و معنایی - مفهومی آن دارد، اما در «بافت موقعیتی»، یک مقوله یا عنصر زبانی مثل متن در قالب موقعیت ویژه‌ای که ارائه شده است، مطمح نظر قرار گیرد. گفتنی است بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی جملگی از این‌گونه هستند» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۲۴).

هالیدی بر این باور است: خصوصیت و مضامین اساسی در زبان، همان ویژگی‌های نقشی آن زبان محسوب می‌شود. او زبان را نظامی معنایی مدنظر می‌گیرد که به مواردی از عناصر علی‌حده و مجزا، یعنی به انواع گوناگون «توان معنایی» تقسیم می‌شود. این توان معنایی زبان در فرا کارکردهای ایدئولوژیک و اندیشگانی، بینافردی و متنی دسته‌بندی می‌شود که می‌توان آنها را نقش‌های اجتماعی برجسته زبان در نظر گرفت. (حری، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۵) از دیگر سو «گفتمان» دارای انحای مختلف است که «تحلیل گفتمان انتقادی»، از مهم‌ترین آنها به شمار می‌آید.

در این بخش از نوشتار کوشش می‌کنیم بر اساس چارچوب «تحلیل گفتمان انتقادی» و «نظریه نورمن فرکلاف» ایدئولوژی در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهدهنامه مالک اشتر را تشریح نماییم.

۱-۳- تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی، همان اندیشه و انتقال معنی از متنی به متن دیگر، از گفتمانی به گفتمان دیگر و از رخدادی به رخداد دیگر است (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۱ ه. ش، ص. ۱-۱۹). نظام‌های اجتماعی به‌عنوان دست‌اندرکاران نهفته‌ای تعبیر می‌شوند که در اشکال رخداد‌های اجتماعی، به‌صورت بالفعل و در عمل تحقق می‌یابند. ارتباط بین ساختارها و رخداد‌های اجتماعی به سبب کنشگری و خوی اجتماعی برقرار می‌شود. به بیانی دیگر این اعمال و کنشگری اجتماعی بر انتخاب، از میان گزینه‌های

ممکن بالقوه و خفته موجود در ساختارهای اجتماعی برای بالفعل شدن نظارت دارند (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۱. ش، ص. ۷).

نورمن فرکلاف سه عرصه (سطح) از گفتمان را بر پایه مقتضیات و شرایط اجتماعی پدید آمدن و زایش متن، ارائه داده است که عبارت‌اند از:

«۱- توصیف: مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن ارتباط دارد. در واقع در این سطح، لایه‌های مورد بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای را بررسی می‌کند و ایدئولوژی موجود در کلام را تبیین می‌نماید.

۲- تفسیر: در این مرحله، به رابطه‌ی بین متن و تعامل و نیز به مشاهده‌ی متن به‌عنوان محصول فرایند تولید و به‌مثابه منبع در فرایند تفسیر اهتمام می‌شود. همچنین به بافت موقعیت و بینامتنیت توجه می‌گردد. در این مرحله نیز مسئله سبک و ساختار کلام مورد توجه است که هر متن غالباً بازتابی از متون دیگر در آن وجود دارد که این خود در ساختن سبک شخص و بیان ایدئولوژی آن کاملاً مؤثر است.

۳- تبیین: به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و در واقع به تعیین اجتماعی فرآیندهای تولید، تفسیر و تأثیرهای اجتماعی آنها مرتبط است. در این بخش، عوامل اجتماعی و ایدئولوژی مورد استفاده سوال قرار می‌گیرد» (Fairclough, ۲۰۰۰، ص. ۱۲۵، به نقل از عباسی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۵).

در حقیقت، گفتمان کاوان، تلاش می‌کنند تا ساختارهای معنایی مسلط را متزلزل کنند، چون از جمله ادله استحکام نظام‌های معنایی، این بوده است که اغلب ادراک آدمی از جهان پیرامون خود، طبیعی یا نهادین شناخته می‌شود؛ به عبارت دیگر به آنها، نه به منزله درک‌هایی از جهان آفرینش، بلکه به منزله خود جهان بما هو «جهان» توجه می‌شود. به همین دلیل است که از اغراض اساسی تحلیل گفتمان، تبیین فهم و درک‌های روشن، آشکار و بدیهی تصور شده و دگرگونی آن فهم‌های بدیهی به «موضوع بحث»، «نقد» و فرجام سخن، «آماده سازی آن ادراکات برای تبدیل» است.

فرکلاف در این باره اظهار می‌دارد:

«اختیار اهداف انتقادی، به معنی این است که در جهت روشن کردن این‌گونه طبیعی شدگی‌ها، بکوشیم و به بیان کلی‌تر، به معنی این است که تعیین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان را که ماهیتاً از دید مشارکین آن مخفی می‌مانند، آشکار سازیم» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۲۷).

در حقیقت در عصر حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام شرایط و فضایی بر جامعه حکمفرما بود که در آن سیاسی‌کاری، فریب، تزییع حقوق رعایا، انجام رفتارهای ناپسند، اختلاف طبقاتی، دو قطبی‌های کاذب و بی‌توجهی به سنن رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حذاقت، کارآیی و ارزش معرفی می‌شد و به بیان اوضح در عصر حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام ناهنجارها، هنجار و نبایدها، باید، شده بود و امیر المؤمنین علیه السلام در قالب این گفتمان‌ها تلاش می‌کرد که حقایق اسلامی در حال خاموشی و فراموشی در ولایت مصر را آشکار نماید. نصب مالک اشتر برای زمامداری سرزمین مصر و نگارش عهدنامه مالک اشتر از اقدامات مهم و تحول‌آفرین حضرت علی علیه السلام بود تا جامعه مردم مصر با تعبیرات اساسی مالک اشتر بتوانند فضای جدید و نوین حکومت علوی را لمس نمایند.

۲- توصیف بافت موقعیتی صدور عهدنامه

تحلیل گفتمان متن را در دو عرصه و سطح «بافت متن» و «بافت موقعیت» بررسی می‌نماید. عنایت به این عرصه‌ها در پی بردن به ایدئولوژی و دیدگاه نگارنده بسیار مهم است. در این قسمت نیاز است «بافت موقعیتی» نهج البلاغه بویژه عهدنامه مالک اشتر بررسی می‌شود تا از این رهگذر به کشف ایدئولوژی امام المؤمنین علیه السلام دست یابیم.

از مهم‌ترین اسباب توصیف اندیشه و ایدئولوژی متن ارزیابی فضای صدور به حساب می‌آید، زیرا با ارزیابی فضای صدور گفتار امام علی علیه السلام معلوم می‌شود که امام علی علیه السلام در چه اوضاع و احوالی می‌زیسته‌اند؟ و این فضا چه پیامدی برنگرش و ایدئولوژی تدوین عهدنامه مالک اشتر داشته است.

در حدود ۵ سال حکومت امام علی علیه السلام، سه گروه ناسازگار با امام علی علیه السلام مشغول جنگ شدند؛ ایشان در تاریخ با سه نام شناخته می‌شود:

۱- ناکثین (سپاهیان طلحه و زبیر با همدستی همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله)، ۲- قاسطین (معاویه و همراهان وی) و ۳- مارقین (شورشیان خوارج).

آیت‌الله مطهری در مورد تفاوت معاندان امیرمؤمنان علی علیه السلام با رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین بیان می‌کنند:

«مخالفان رسول خدا صلی الله علیه و آله عده‌ای کافر و بت‌پرست بودند و در زیر شعار بت‌پرستی با پیامبر صلی الله علیه و آله مبارزه می‌کردند و توحید و نبوت را انکار می‌کردند؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام با یک طبقه غالباً آگاه ولی بی‌دین مواجه شده بود که متظاهر به اسلام بودند ولی مسلمان واقعی نبودند، شعارهایشان، شعار اسلامی ولی هدف‌هایشان بر ضد اسلام بود» (مطهری، بی تا، ص. ۲۴).

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در به تصویر کشیدن، وضعیت غالب بر جامعه آن روز در بدو پذیرش جانشینی ظاهری پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک، و زبان از راستگویی عاجز، و حق طلبان بی ارزشند، مردم گرفتار گناه و به سازش کاری هم‌داستانند، جوانانشان بد اخلاق، و پیرمردانشان گنهکار، و عالمانشان دورو و نزدیکانشان سودجویند. نه خردسالانشان بزرگان را احترام می‌کنند و نه توانگرانشان دست مستمندان را می‌گیرند» (خطبه ۲۳۳) امام علی (علیه السلام) در نامه ۵۳ چنین اظهار داشتند: «همانا این دین در گذشته اسیر اشرار و بدخواهان ملت بوده است و به سبب آن هواهای نفسانی خود را برآورده کرده و دنیای مرفه و محبوبی به دست می‌آوردند» (نامه ۵۳).

اوایل عهد خلافت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آموزش و تهذیب اسلامی عصر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) امتداد نیافته بود و به واقع حضرت علی (علیه السلام) در تنگنای بدعت‌های فراوان و سنت اصیل رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) قرار گرفته بود. از سویی باید خرافات و انحرافات خلفای پیشین را اصلاح نماید و از طرف دیگر سنت قطعی و ناب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را با یک فعالیت فرهنگی منسجم پیاده سازد. در آن دوران ممالک زیادی به دست مسلمانان فتح شده بود اما آن‌چنان که می‌بایست فرهنگ اصیل اسلامی در شریان‌های این بلاد جاری نشده بود و نومسلمانان با برخی از احکام دینی آشنا نبودند.

آیت الله مطهری چنین توضیح می‌دهد:

«در اثر این بی‌غفلی در زمان خلفای سه‌گانه طبقه‌ای در اجتماع اسلام ایجاد شد که به اسلام علاقمند بودند؛ اما فقط ظاهر اسلام را می‌شناختند، این طبقه مقدس مآب، متنسک و زاهد مسلک در دنیای اسلام به وجود آمده بود که از کثرت سجود پیشانی آنها پینه بسته بود ولی از روح اسلام آشنایی چندانی نداشتند، علی (علیه السلام) در چنین شرایطی حکومت را به دست می‌گیرد (مطهری، بی‌تا، ص. ۲۵-۳۰).

بر همین اساس ضرورت داشت، سخنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر و توصیه‌های حضرتش برای والی آن دیار هماهنگ با دغدغه و معضلات، مشکلات و راه حل‌ها، آماج شبهات اعتقادی و اخلاقی و پاسخگویی به مسائل مردم، برکناری و نصب کارگزاران، آشتی و نبرد با بیگانگان شکل بگیرد و رافع بی‌نظمی‌های مختلف از بستر جامعه باشد. به همین دلیل «ارزش‌ها و باورها» کاربرد داشته و در تجسم جامعه حقیقی اسلام مؤثر واقع می‌شود؛ این سخنان هیئت و جنبه آرمانی، ذهن‌گرایی و ایده‌آل‌نمایی نداشته و ندارد. حضرت علی (علیه السلام) جامعه‌ای را برای مردم مصر ترسیم می‌کند که روح



صفا می‌بخشد و زنگارها را از صافی دل می‌شوید و هم در اجتماع و پرسمان‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی حضور دارد و راهکارهای بنیادی ارائه می‌دهد (دشتی، بی‌تا، ص. ۶۴-۶۵).

گفتنی است سبک‌شناسی لایه‌ای به عنوان یکی از رویکردهای زبان‌شناسی نقش اساسی در تبیین بافت متنی در ارتباط با بافت موقعیتی دارد و از آنجایی که تحلیل گفتمان انتقادی فراتر از این کارکردهای زبانی به تحلیل متون می‌پردازد؛ از این رو در این مجال از جستار با تأکید بر این نظریه در قسمت اول لایه‌های سبک، در قسمت دوم رابطه کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با متون دینی و در قسمت سوم با تکیه به دو سطح به تبیین ایدئولوژی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پرداخته خواهد شد.

۳- بررسی و توصیف مردم مصر

عهدنامه مالک اشتر بازتابی مستوفی و فراگیر از شرایط حاکم بر جامعه‌ای است که مردم مصر نقشی کلیدی در ایجاد آن ایفاء می‌کنند. به بیانی دیگر، اکثر واژگان این عهدنامه، به نحای گوناگون، بازتاب سرگذشت و حالات واقعی مردم بلد مصر است که در اینجا به آنها اشاره خواهد شد:

۳-۱- سرگذشت مردم سرزمین مصر از لسان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

«اعلم یا مالک اَنّی قد وجهتک اِلی بلادٍ قد جرت علیها ذولٌ قبلك من عدلٍ و جورٍ و انّ الناسَ یُنظرون من اُمورک فی مثلِ ما کنت تُنظرُ فیهِ من اُمورِ اُولاءِ قبلك و یقولون فیک ما کنت تقولُ فیهم و انما یستدلّ علی الصالحین بما یجری اللهُ هم علی السُننِ عباده»:

پس ای مالک بدان! من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم راندند، و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و در باره تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی، و همانا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری ساخت» (نامه ۵۳).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این فراز، توجه ویژه‌ای بر سرگذشت مصریان دارد او مصریان را ملتی کهن معرفی می‌کند که دولت‌های عادل و ستمگر بر ایشان حکم راندند. حضرت به نوعی در این کلام به سابقه تمدنی این سرزمین سخن می‌گوید، زیرا امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، ضمن استفاده از این دسته واژگان و آفرینش تصویری از فضای اجتماعی حاکم بر مصریان، اتخاذ تدابیر سیاسی و اجتماعی را برای آن جامعه ضروری دید.

چرا که در ادامه خطبه چنین می‌فرماید:

«فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَأَمْلِكْ هَوَاكَ وَشَحِّبْ نَفْسَكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِصْطَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ.» (نامه ۵۳):

پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد، هوای نفس را در اختیار گیر، و از آنچه حلال نیست خوشتن داری کن، زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد، یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی.

در تعبیر مذکور، امام (علیه السلام) با استفاده از عباراتی همچون:

«قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلِ وَجَوْرِ» و نیز «أَحَبُّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ»

و توصیف کنترل هوای نفس در جامعه آن روزگار، هویت و تشخیص معنادار داری به بافتار «گفتنمان انتقادی» عطا کرده‌اند، زیرا با تحلیل داده‌های گفتمانی حضرت امیر پیرامون کاربرد مفاهیم متضادی همچون «عدل و جور» ایدئولوژی زمامداری موفق را در دوران بین این دو مفهوم توصیف می‌کند. کارگزاری اگر مسیر عدالت پیش گیرد فقط از مسیر عمل صالح و شایسته خواهد بود و جور زمامدار بر مردم خویش از رهگذر اتخاذ سبیل الغی و هوای نفس در اداره سرزمین خواهد بود.

۳-۲- توصیف اندیشه (ایدئولوژی) حاکم بر عهدنامه مالک اشتر

«وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ، وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يَضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْمُجْبَنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَقِيَّةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ.» (نامه ۵۳)

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.

امام (علیه السلام) با کنارهم نشانیدن «بخیل، فضل، فقر، جبان، حریص، جور» ایدئولوژی مطلوب برای مشورت با شایستگان را ترسیم می‌کند. در اینجا باید گفت، گزینش و انتخاب لغات و ایجاد تناسب میان یکدیگر، نقشی اساسی در تبیین مقصود امام (علیه السلام) و تأثیر آن بر مخاطب بازی نموده است.

حکایت از نوع ایدئولوژی امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای شیوه حکومت در سراسر عهدنامه مالک اشتر قابل دستیابی است که به مواردی از آن اشاره خواهد شد:

۱- انگاره شایسته‌گزینی:

ثُمَّ اخْتَرْنَا لِحُكْمِ بَيْنِ النَّاسِ اَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ:

از میان مردم برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن.

۲- انگاره مصلحت‌سنجی برای پرداخت مالیات:

وَتَقَدَّ اَمْرُ الْحَرَجِ بِمَا يَصْلِحُ اَهْلَهُ، فَاِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُ:

مالیات و بیت‌المال را به‌گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبود مالیات و مالیات دهندگان عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد.

۳- انگاره سیمای نویسندگان و منشیان اداری:

ثُمَّ انظُرْ فِي حَالِ كِتَابِكَ قَوْلًا عَلَى اُمُورِكَ خَيْرٌ لَهُمْ، وَاخْضِصْ رَسَائِلَكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَايِدَكَ وَاَسْرَارَكَ.

در امور نویسندگان و کتاب به درستی نظر کن و کارهایت را به بهترین ایشان بسیار و نامه‌های محرمانه که در بردارنده سیاست‌ها و اسرار توست به صالح‌ترین اختصاص ده.

۴- انگاره اخلاق رهبر با خویشاوندان:

ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةً، فِيهِمْ اسْتِنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ... وَالزَّمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ.

همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند ... به‌گونه با آنان برخورد کن که قراردادی به سودشان منعقد نشود.

۵- انگاره مهربانی با مستضعفان و مراعات حال ایشان:

فَفَرِّغْ لِاَوْلِيَاكَ ثِقَتَكَ مِنْ اَهْلِ الْحَشِيَّةِ وَالتَّوَاضِعِ... وَاَجْعَلْ لِدَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصًا

موارد مذکور تنها گوشه‌ای از ایدئولوژی و انگارگان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در پهنه عهدنامه مالک اشتر است که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن پرهیز شد.



ناگفته نماند ایجاد تضاد گفتاری و توصیفی، در برخی از سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، سیمایی روان شناختی، انسان‌شناختی، زیبایی‌شناختی ترسیم نموده و علاوه بر آن بر میزان رنگ و صبغه ایدئولوژیک و محرک نامه ۵۳ ایشان نیز افزوده است.

امام (علیه السلام) در برخی از فقرات عهدنامه، به توصیف سیمای داوران، کارگزاران دولتی، مالیات دهندگان، نویسندگان، بازرگانان و صاحبان صنایع و محرومان پرداخت و مالک اشتر را خصوصاً و عموم زمامداران در طول تاریخ را به این الزامات فرا خواندند؛ زیرا به عقیده برخی از محققان «سطح کارکرد یک پاره گفتار خاص در یک موقعیت اجتماعی خاص و در یک زنجیره‌ی (گفتار)، به مثابه‌ی مشارکتی ویژه در یک گفتار در حال گسترش است». (سینکلر و کولتهارد، ۱۹۷۵، ص. ۱۳؛ نقل از میلز، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۳) روشن است که امام علی (علیه السلام) با تدوین این دستورات حکومتی و منشور، چند غرض را دنبال می‌کرده اند:

اولاً: هدف آموزنده و آموزشی. ایشان می‌کوشند تا هنجارها و ناهنجاری‌ها را برای مردم تبیین نمایند؛

ثانیاً: اصلاح امور اجتماعی و فرهنگی مردم مصر؛

ثالثاً: این روابط معنایی افزون بر استواری بخشیدن به گفتار، اثر مهمی بر تحول سیرخط گفتارانی جامعه اسلامی داشته است.

۴- سطح تفسیر

نورمن فرکلاف بر این باور است که برتری پیوندهای بیناگفتارانی و پیوندهای بینامتنی هر رویه‌ی گفتارانی از مسیر پیوندها با رویه‌های گفتارانی غیر از آنچه گفته شده، تبیین می‌شود و به شیوه‌های غامض به رویه‌های گفتارانی دیگر متکی است (فرکلاف، ۱۳۷۹ ه. ش، ص. ۵۵؛ نقل میلز، ۱۳۸۲ ه. ش، ص. ۱۹۰)، زیرا رجوع بینامتنی در داخل بستر اجتماع مورد توجه بوده و بر این امر مسلم می‌پردازد که بینامتنیت یکی از مکانیسم‌های گفتارانی است که علت‌ساز تطور و تحول درگفتارها می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹ ه. ش، ص. ۵۵؛ نقل میلز، ۱۳۸۲ ه. ش، ص. ۱۹۴). با عنایت به همین موضوع امام (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر، در صورت امکان و ضرورت استناد به آیات شریفه قرآن کریم را مدار اصلی ایدئولوژی خود قرار می‌دهند. روشن است که این مهم، مختصات و ویژگی‌های سرآمد، فعال و تحریک کننده به گفتار امام علی (علیه السلام) بخشیده است.

در این قسمت به نمونه‌ای از وام‌گیری امام علی (علیه السلام) از آیات قرآن را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد:

۱- «فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ»

همانا نفس همواره به بدی و امی دارد جز آن که خدا رحمت آورد».

امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رهگذر این فقره با اثرپذیری از آیات قرآن مالک اشتر را به ضرورت خودسازی رهنمود می‌دهد. واژگان به کار رفته در عهدنامه، گویا از این آیات شریفه الهام گرفته شده‌اند:

«وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»

(قرآن کریم ۱۲: ۵۳)

من خود را از گناه تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس طغیان‌گر بسیار به بدی فرمان می‌دهد مگر زمانی که پروردگارم رحم کند؛ زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است.

۲- «وَأَرْذُذُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يُضِلُّكَ مِنَ الْخُطُوبِ، وَيُشْتَبِهُ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمٍ أَحَبَّ إِرْشَادَهُمْ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ؛ فَالَّذِي إِلَى اللَّهِ الْأَخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ، وَالَّذِي إِلَى الرَّسُولِ الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَمَاعَةِ عَنِ الْمَفْرَقَةِ.»

مشکلاتی که در احکام نظامیان برای تو پدید می‌آید، و اموری که برای تو شبهه‌ناکند، به خدا، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بازگردان، زیرا خدا برای مردمی که علاقه داشته هدایتشان کند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا و رسول و امامانی که از شما هستند اطاعت کنید، و اگر در چیزی نزاع دارید، آن را به خدا و رسولش باز گردانید». پس باز گرداندن چیزی به خدا، یعنی عمل کردن به قرآن، و بازگرداندن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی عمل کردن به سنت او که وحدت بخش است، نه عامل پراکندگی.

به نظر می‌رسد مفاهیم عبارات ذکر شده در عهدنامه نیز از این کریمه اقتباس و اخذ شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (قرآن کریم ۴: ۵۳):
ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشینی پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)] نزاع داشتید، آن را

[برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ﷺ ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است.

همچنین:

۳- «وَأَيُّكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوِ التَّزِيدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ، أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُنْبِغَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يَبْطُلُ الْأَحْسَانَ، وَالتَّزِيدَ يَذْهَبُ نُورَ الْحَقِّ، وَالْخُلْفَ يوجبُ الْمُقْتَدَةَ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»

مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی. منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویند و عمل نکنند».

در خلال متن عهدنامه، امام علی (علیه السلام) مالک اشتر را به‌خاطر اولویت و اهمیت پرهیز از منت‌گذاری و از بین رفتن ارزش نیکوکاری، ایشان را مورد سرزنش قرار می‌دهد و همچنین به نظر می‌آید به آیه سوم سوره مبارکه صف استناد می‌جوید و اینکه به اجرای عدالت و دستورات قرآن تن نمی‌دادند، مورد سرزنش قرار می‌دهد.

در نگاه‌های مذکور امام علی (علیه السلام)، هنگام توجه به خودسازی، عنایت به رجوع به خدا و رسول ﷺ برای پرهیز از اختلاف در جامعه و هشدار برای منت‌گذاشتن به‌خاطر نیکوکاری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و با تمسک به گفتمان قرآنی - به مثابه سرچشمه اصیل دین - به دنبال تنقیح و تهذیب رفتار کارگزاران اسلامی هستند. هر آینه، بایسته این مطلب، وقوف به آیات قرآن و چیرگی تام و کامل بر مضامین قرآنی است؛ چون به عقیده برخی محققان «براساس رویکرد زبان‌شناسی انتقادی ساخت‌های زبانی نمی‌توانند از کاربرد خود جدا شوند؛ یعنی هر موضوعی به ناچار گونه‌ی زبانی خاصی را می‌طلبد و سخنگو باید بداند که کدام گونه را در ارتباط با کدام موضوع انتخاب کند و چه عناصر زبانی و واژگان را در نظر دارد» (به نقل از صالحی، ۱۳۹۱، ص. ۹۵).

با وجود این، ایدئولوژی و انگارگان حاکم بر کلام امام علی (علیه السلام) تداعی کننده این است که قاطبه کارگزاران حکومت دینی باید معارف قرآنی به‌طور مستوفاً مطلع باشند و بهره‌گیری از رهنمودهای قرآن شالوده‌تصمیم‌گیری‌ها در سطح جامعه باشد. گفتنی است از اغراض به‌کارگیری آیات قرآن تغییر فضای

اجتماعی و سیاسی جامعه به سمت و سوی قرآن و معارف آن بوده است. بدیهی است که اثرگیری و اثرگذاری عهدنامه مالک اشتر ازگفتمان قرآن کریم، موجب ژرفابخشی ایدئولوژی دینی و نیز نفوذ کامل آن بر مخاطبان امام علی (علیه السلام) شده است.

۵- مرحله تبیین

هدف اساسی مرحله تبیین در «تحلیل گفتمان انتقادی»، بسط و تبیین جایگاه و موضع دو مرحله «توصیف» و «تفسیر» در تولید و بازسازی قدرت نابرابر و نیز استفاده از آن برآیندها مطالعات انتقادی برای رهایی مستضعفان است. در واقع، تحلیل گفتمان انتقادی، به لحاظ سیاسی خود را پایبند به تغییر می‌داند. از این جهت، تحلیل‌گر باید از جهت سیاسی و اجتماعی، دارای جایگاهی زلال و روشن باشد. به همین سبب، رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی تحت عنوان رهایی‌بخشی، بیشتر جانب گروه‌های اجتماعی ستم‌دیده را می‌گیرند. هدف آنها، تحلیل انتقادی تحت عنوان رهایی‌سازی افراد تحت اسارت است (یورگنسن، ماریان؛ و لوییز فیلیپس، ۱۳۸۹ ه. ش، ص. ۱۱۰-۱۱۵؛ به نقل از محسنی، محمدجواد، ۱۳۹۱، ص. ۷۱).

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تحولات سیاسی و اجتماعی دینی رحلت یا شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) باعث شد تا گفتمان چیره و مسلط بر کلام امام علی (علیه السلام)، رهایی مردم از تبعیض، احیای عدالت اجتماعی و جلوگیری از فساد اجتماعی را بازتاب دهد.

به همین دلیل، حکام جامعه اسلامی با گرایش به حیات دنیوی و مادیات و انحراف و دورویی و تذبذب تصمیم‌گیری، خودشان شرایط حکمفرایی فساد و تبعیض را فراهم کرده بودند؛ چرا که بنا به نظر برخی محققان در هر عصری این رفتار و گرایش مردمان است که مختصات اجتماعی حاکم بر جامعه و فضای مسلط بر عصر را تشکیل می‌دهد. بر همین اساس، آیت الله مطهری نیز «مقتضیات زمان را به مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی بشر» تعریف کرده است (مطهری، ۱۳۷۷ ه. ش، ص. ۱۶).

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در دوره زمامداری و خلافت ظاهری خویش می‌کوشند تا برای ارشاد مردم مصر و تغییر ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه، از متدهای گوناگون نظیر: استناد و استدلال بر قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) بهره‌گیرند و افزون بر فساد موجود در جامعه و برخی از والیان آن دوران، ضعف مدیریتی و بی‌کفایتی برخی از افراد که بر آن معضلات اصلاح نمایند. بر همین پایه، ایدئولوژی حاکم و مسلط بر کلام امام علی (علیه السلام) قصد دارد تا با توصیف و ترسیم شیوه صحیح حکومت‌داری، صلاح جامعه مصر را به ارمغان بیاورد و با توجه به سابقه تمدنی آن جامعه مشکلات ایشان را تا حد امکان برطرف نماید.



در حقیقت انگارگان و ایدئولوژی حاکم در عهدنامه مالک اشتر افزون بر فرامینی برای والی مصر، اهتمام به رفع مشکلات محرومان و مستضعفان است؛ چرا که ایشان سرمشق مردم اند. به همین دلیل امام علیه السلام در چندین صفحه به بیان هر آنچه که در اصلاح جامعه مصر مفید خواهد بود، اشاره نموده و قصد دارد تا جامعه مصر را مترقی و هم‌راستا با آموزه‌های اخلاقی-دینی نماید.

با عنایت به مطالب پیش گفته می‌توان اساسی‌ترین محورهای گفتمان امیرالمؤمنین علیه السلام در دو مرحله‌ی توصیف و تفسیر در عهدنامه را این‌گونه تبیین نمود:

اولاً: تأکید بر نقش مردم و وحدت آنها در اداره حکومت؛

ثانیاً: بیان اخلاق رهبری با خویشاوندان، روش برخورد با دشمن، هشدار از ریختن خون مظلوم و ناحق، هشدار از اتانیت و منت‌گذاری، توجه به مذمت امتیاز خواهی حکام؛

ثالثاً: تأکید بر شرایط و مقتضیات جامعه مصر و نیز اعوجاج اخلاقی-اجتماعی حکام جامعه عصر امام علی علیه السلام؛

رابعاً: نمود تدوین جامع منشور حکومتی امام علیه السلام برای اصلاح جامعه و انحرافات سیاسی-فرهنگی، از طریق اقتباس و اخذ عالمانه از قرآن کریم.

فرجام سخن اینکه ویژگی‌های سبکی عهدنامه مالک اشتر، بیانگر ایدئولوژی و انگارگان حاکم بر نهج البلاغه است که نشان‌دهنده اهتمام امیرالمؤمنین علیه السلام، به اصلاح و ترقی مادی و معنوی جامعه تحت زمامداری خویش است. ناگفته پیداست امکان دارد در یک متن، انگاره‌های متفاوتی وجود داشته باشد اما یک انگاره به حسب معمول غالبیت دارد که به‌وسیله‌ی یکی از ویژگی‌های سبکی قابل تبیین است.

حاصل سخن

با عنایت به آنچه در این جستار بیان شد به مطالب زیر به عنوان نتایج تحقیق تأکید می‌شود:

- ۱- ایدئولوژی دینی در عهدنامه مالک اشتر از فراوانی و تکرار بیشتر برخوردار است. کاربست واژگان با بار معنایی مختلف، کاربردهای نحوی و آوایی در مرحله توصیف تأییدگر این امر هستند.
- ۲- «بینامتنیت» یکی از مهم‌ترین متمایزات سبکی است که در تشریح ایدئولوژی دینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهدنامه نیز کارآمد واقع شده است.
- ۳- امام علی (علیه السلام) در مورد موضوعات مختلف با توجه به شرایط جامعه مصر مطالبی نگاشته‌اند، برای مثال ضرورت بناء الذات، اخلاق القيادة، التجنب من الغرور و الانانیة، کیفیت جلب رضا العامة او رضا الخاصة، ضرورت حفظ السرّ، المشورة و مکان‌ها الصحیح، التعرفة بالطبقات الاجتماعیه و... مورد توجه داشته‌اند.
- ۴- آنچه در تکوین ایدئولوژی عهدنامه نقش اساسی داشته بوم‌شناسی و شناخت جامع امام علی (علیه السلام) از مردم مصر و به عبارت دیگر شناخت بافت اجتماعی مصر بوده که با توجه به معضلات جامعه مصر، همواره انگاره دینی خویش در شرایط مختلف برای حکومت داری اسلامی به کار گیرند.



منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه پارسى، سيد رضى، ۱۳۷۹ ش، ترجمه: سيد جمال الدين، دين پرور، تهران؛ بنياد نهج البلاغه.
۱. أبو محبوب، احمد، ۱۳۸۷ ش، درهای و هوی باد، *زندگی و شعر حمید مصدق*، تهران: ثالث.
 ۲. ادگار، اندرو، پینتر سجویک، ۱۳۸۷ ش، *مفاهیم بنیادی نظریه‌ی فرهنگی*، ترجمه: مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
 ۳. رزمجو، شاهرخ، ۱۳۸۹ ش، *استوانه کورش بزرگ*، تهران: نشر فرزاد روز.
 ۴. فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹ ش)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
 ۵. ماله، آلبر، ۱۳۴۲ ش، *تاریخ ملل شرق و یونان*، ترجمه عبدالحسین هژیر، بی‌جا: انتشارات عطار.
 ۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ ش، *سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام)*، تهران: صدرا.
 ۷. میلز، سارا، ۱۳۸۲ ش، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم.
 ۸. یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۸۳ ش، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.
 ۹. یورگنسن، ماریان؛ و لوییز فیلیس، ۱۳۸۹ ش، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: انتشارات نی.

مقالات

۱۰. آقا گل‌زاده، فردوس، ۱۳۹۱ ش، توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی، *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، شماره ۲.
۱۱. ایل‌های، احمد یحیایی (بدون. تا). «تحلیل گفتمان چیست؟»، نخستین نشریه بین‌المللی روابط عمومی / علمی / آموزشی: تحقیقات روابط عمومی. صص ۵۸-۶۴.
۱۲. حری، ابوالفضل، ۱۳۸۸ ش، کارکرد تصریف در دو سوره‌ی قرآنی ناظر به داستان آفرینش در پرتو فراکارکرد متنی هلیدی، *پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره ۵۵.
۱۳. درپر، مریم، ۱۳۹۲ ش، قطعیت بالای متن و قاطعیت نویسنده در سبک نامه‌نگاری غزالی، *جستارهای ادبی*، شماره ۱۸۱.
۱۴. شایسته، فریدون، ۱۳۸۱ ش، تمدن و فرهنگ مصر باستان در چشم انداز تاریخ، *مجله رشد آموزش تاریخ*، شماره ۱۰.

۱۵. محسنی، محمدجواد، ۱۳۹۱ش، جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان انتقادی، معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱۱، ص ۶۳،

۱۶. مهرپور، حسین، ۱۳۸۷ش، توجه به اوضاع و مقتضیات جامعه در وضع و تبدیل احکام در قرآن کریم، مجله راهبرد، دوره ۱۶، شماره ۳ - شماره پیاپی ۴۹.

